

## تحولات سیاسی و دینی در دوره‌ی مهرنرسی

شهرام جلیلیان<sup>۱</sup>

پروانه یارعلی<sup>۲</sup>

### چکیده

مهرنرسی وزیر بزرگ سه شاهنشاه ساسانی؛ یزدگرد یکم (۳۹۹-۴۲۱م)، بهرام پنجم (۴۲۱-۴۳۹م) و یزدگرد دوم (۴۳۹-۴۵۷م) بوده است. این وزیر دوره‌ی ساسانی را با کارهایی چون ساخت بناهای عام‌المنفعه و چندین آتشکده در دو جهت مذهبی و سیاسی می‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. مهرنرسی در گفتارهای صلح با رومی‌ها در دوره‌ی پادشاهی بهرام پنجم که به پیمان صلح سال ۴۲۲ میلادی انجامید نقشی اساسی داشت؛ همچنین در دوره‌ی یزدگرد دوم برای پس راندن مسیحیت از ارمنستان بسیار کوشید. در این جستار کوشش خواهد شد فعالیت‌های سیاسی و مذهبی این وزیر نیرومند دوره‌ی ساسانیان بررسی شود.

**کلیدواژه‌ها:** وزیربزرگ، مهرنرسی، ساسانیان، یزدگردیکم، بهرام پنجم، یزدگرددوم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد ایران باستان دانشگاه شهید چمران اهواز.

## مقدمه

در ۲۸ آوریل سال ۲۲۶ میلادی اردشیر بابکان توانست اردوان پنجم، آخرین پادشاه اشکانی، را در دشت هرمزگان شکست دهد و شاهنشاهی ساسانی را بنیان گذارد (طبری، ۱۳۵۲: ۵۸۰/۲؛ نولدکه، ۱۳۸۷: ۳۲). در مدت چهار قرن که دولت ساسانی پایدار بود، با وجود این که شرایط زندگی عمومی و اداری کشور دستخوش دگرگونی‌های مختلف شد، اما نهادهای حکومتی در کلیات همان بنای اداری و اجتماعی را که بنیانگذار سلسله بنا نهاده و به کمال رسانده بود، تا پایان دوران حفظ کردند ( کریستین سن، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

در دوره‌ی ساسانیان وزیر بزرگ، رئیس تشکیلات مرکزی بوده است (طبری، ۱۳۵۲: ۶۱۶/۲). از وظایف این مقام می‌توان به اداره کردن امور کشور زیر نظر شخص پادشاه اشاره کرد که البته در بیشتر امور نظرات ایشان کارساز بوده است و از این گذشته هنگامی که پادشاه در سفر یا جنگ بود وزیر بزرگ، نایب السلطنه هم بوده است و نباید نقش ایشان را در مذاکرات سیاسی از قلم انداخت (کریستین سن، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

از جمله کسانی که به این مقام و جایگاه دست یافته‌اند می‌توان به ابرسام در دوره‌ی اردشیر یکم، خسرو یزدگرد در دوره‌ی یزدگرد یکم، مهرنسی در دوره‌ی یزدگرد یکم، بهرام پنجم و سورن پهلوی در دوره‌ی بهرام پنجم اشاره کرد (همانجا).

مهرنسی در سده‌ی چهارم قبل از میلاد در روستای ابروان در روستای دشت بارین از استان اردشیرخوره پارس به دنیا آمد. وی پسر برازه پسر فرخزاد، پسر خور هباز، پسر سیسناد بروه، پسر کی اشک، پسر دارا پسر بهمن، پسر اسفندیار، پسر ویشتاسپ است (طبری، ۱۳۵۲: ۶۲۶/۲). پس به این ترتیب مهرنسی نسب خود را به ویشتاسپ، شاه کیانی می‌رساند. وی از خاندان سپند یاد، یکی از هفت خاندان اشرافی اشکانی بوده است (کریستین سن، ۱۳۸۹: ۱۲۷؛ نولدکه، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

## مذهب مهرنرسی

پاره‌ای از پژوهندگان با تکیه بر شواهدی چون: نام فرزندان وی (زروان‌داد، زرواندخت) (برای نمونه: دوشن گیمن، ۱۳۷: ۳۴۶؛ زرین کوب، ۱۳۸۸: ۴۶۱/۱؛ سامی، ۱۳۸۹: ۲۷۹/۲) و صدور اعلامیه به هنگام پس راندن مسیحیت و فراخواندن آرامنه به بازگشت به دین قدیم که در واقع چکیده‌ی اسطوره زروانی بوده است (برای نمونه: کریستین سن، ۱۳۸۹: ۲۸۶؛ شپیمان، ۱۳۸۴: ۴۸؛ زرنر، ۱۳۸۸: ۷۷؛ ویدن گرن، ۱۳۷۷: ۳۵۵؛ دریایی، ۱۳۸۷: ۷۷)؛ همچنین بنابر گزارش طبری، ایجاد باغ‌های سه‌گانه که در هر یک از آنها دوازده هزار درخت کاشت (طبری، ۱۳۵۲: ۶۲۲/۲)، گرایش زروانی داشته است.

از سوی دیگر شاپور شهبازی بر این باور است که نام پسر و دختر مهرنرسی، (زروان‌داد، زرواندخت) دلیلی بر زروانی بودن او نمی‌تواند باشد؛ زیرا نام زروان‌داد در زمان ساسانیان گاهی پیش آمده است و زروآوند به معنی «زرین - بور» بوده است و همین مورد درباره‌ی دخترش نیز صادق است. چنانکه نام دختر شاپوردوم زرواندخت بوده است. پس دلیل موجهی برای تمایل و گرایش زروانی مهرنرسی نیست و همین‌طور ایجاد باغ‌های سه‌گانه که در هر یک دوازده هزار درخت کاشت، نمی‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای بر زروانی بودنش باشد؛ زیرا این اعداد از قدیم در ایران مقدس به شمار می‌آمدند (شهبازی، ۱۳۸۹: ۴۵۳).

در کتاب قانون ساسانی، مادیان هزار دادستان (هزار رأی حقوقی) آمده است که مهرنرسی به ارتکاب گناهی نامشخص متهم شد و در نتیجه این گناه او خادم آتشکده شد: «خداوندگار، بهرام، شاه شاهان، فرزند یزدگرد، مهرنرسی، وزرگ فرمذار را به بندگی به آتشکده‌ی اردوهیشت و آتشکده‌ی ابزون اردخشیر فرستاد» (بهرامان، ۱۳۹۱: ۳۵۹).

او و همسرش به مدت چندین سال در طول سلطنت بهرام پنجم تا روی کار آمدن یزدگرد دوم در آنجا ماند. پس از آن، مهرنرسی به مدت چند سال دیگر به استان فرستاده شد تا برای کفاره‌ی گناهش، مجازات دیگری را تحمل کند؛ سپس در دوره‌ی فرمانروایی پیروز تحت

نظارت بود، موبدان موبد و دیگر مقامات، به آتشکده‌ی دیگری به نام اورمزد - پیروز فرستاده شد (همان: ۳۵۹؛ یارشاطر، ۱۳۹۲: ۳۲۰؛ ویسهوفر، ۱۳۸۲: ۲۲۳).

بر پایه کتاب مادیان هزار دادستان، مهنررسی و همسرش سپس در آتشکده به عنوان «بنده‌ی آدوروخش» شناخته می‌شدند (بهرامان، ۱۳۹۱: ۳۶۰).

### پل و آتشکده‌های مهنررسی

به گزارش طبری، مهنررسی چهار آتشکده و سه باغ در نزدیکی زادگاهش ساخت و در یکی از آن‌ها دوازده هزار درخت خرما، در دیگری دوازده هزار درخت زیتون و در سومی دوازده هزار درخت سرو کاشت که تا دوره‌ی پس از ساسانیان نیز وضعیت خوبی داشتند و به دست نوادگان او نگهداری می‌شد (طبری، ۱۳۵۲: ۶۲۶/۲؛ کریستین سن، ۱۳۸۹: ۲۸۹). مهنررسی چهار روستا بنیان نهاد و در هر یک از آن‌ها برای آمرزیدگی روان خود و سه پسرش، آتشکده‌ای برقرار کرد و آن‌ها را «فراز مرا آور خدایا» (برای خودش)، «زرواندان»، «کارداران» و «ماهگشنسپان» نام نهاد؛ افزون‌براین، در دشت بارین نیز ساختمان‌هایی بنا کرد و آتشکده‌ای به نام مهنرسیان برای خود ساخت (طبری، ۱۳۵۲: ۶۴۵/۲؛ مصطفوی، ۱۳۴۳: ۱۲۰-۱۱۹).

همچنین مهنررسی بر روی رودخانه تنگ آب در استان فارس، پلی ساخت. این پل در نزدیکی قلعه دختر، برجاده‌ای که منتهی به شهر گور (= فیروزآباد امروزی) است و در کنار سنگ‌نگاره اردشیریکم که در آن، مراسم اعطای پادشاهی به او است، قرار دارد (تفضلی، ۱۳۷۶: ۹۶). در کنار این پل سگ‌نوشته وجود دارد (عریان، ۱۳۸۲: ۲۰۳-۲۰۲؛ اکبرزاده و طاووسی، ۱۳۸۴: ۶۸؛ اکبرزاده، ۱۳۸۴: ۸۹).

### مهنررسی در دوره‌ی یزدگردیکم

در دوره‌ی یزدگرد یکم (۳۹۹-۴۲۰م)، شاهد نگرش و رفتار ایدئولوژیکی تازه‌ای با اقلیت‌ها هستیم (فرای، ۱۳۸۳: ۵۱۰-۵۰۸). وی رفتاری همراه با سیاست رواداری و شکیبایی مذهبی به

ادیان غیرزردشتی داشت. چنانکه شکیبایی مذهبی‌اش موبدان و هیربدان را به شدت از وی ناخشنود ساخت (زرین کوب، ۱۳۸۸: ۴۵۵/۱). به همین دلیل او را در متون پهلوی با عنوان بزهرگر (= گناهکار) و دفر (= فریبکار) (شهرستان‌های ایران‌شهر، ۱۳۸۸: ۷۱) و در گزارش‌های ایرانی و عربی‌الایم (طبری، ۱۳۵۲: ۶۰۷/۲؛ بلعمی، ۱۳۹۲: ۶۵۳-۶۵۱؛ ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۷۴؛ اصفهانی، ۱۳۴۶: ۵۲؛ خوارزمی، ۱۳۸۹: ۱۰۲؛ گردیزی، ۱۳۴۷: ۲۶) می‌نامند.

به هر حال به واسطه‌ی ماروثا و البته بیشتر به دلیل ملاحظات سیاسی، یزدگرد فرمانی صادر کرد که آن را مانند «فرمان میلان» که به موجب آن قسطنطین مسیحیت را آزاد کرد، دانسته‌اند (شهبازی، ۱۳۸۹: ۴۲۶). این حکم به مسیحیان امکان آزادی در پرستش؛ اجازه‌ی بازسازی کلیساهای ویران شده و سفر کردن روحانیون در سراسر سرزمین را می‌داد؛ همچنین ماروثا شاه را قانع کرد که شورای مذهبی را در سلوکیه در سال (۴۱۰م.) تشکیل دهد تا سازمان‌های کلیسایی را در امپراطوری ساسانی استوار سازد (همانجا؛ میلر، ۱۳۸۲: ۲۸۴-۲۸۳).

به هر حال یزدگرد در اواخر حکومت خود رفتار و نگرش خود را نسبت به مسیحیان تغییر داد و فرمان پیگرد آنان را صادر کرد (کریستین سن، ۱۳۸۹: ۲۷۶-۲۷۵؛ میلر، ۱۳۸۲: ۲۹۰-۲۸۸)؛ زیرا آنان مرتکب اعمال تخطی‌آمیزی همچون تخریب آتشکده‌ها، اهانت به آیین مزدایی و نافرمانی از فرامین شاه شده بودند (برای نمونه: فرای، ۱۳۸۳: ۵۰۹؛ آسموسن، ۱۳۹۲: ۳۸۵؛ شیپمان، ۱۳۸۴: ۴۵؛ شهبازی، ۱۳۸۸: ۴۲۸؛ رجبی، ۱۳۸۷: ۲۰۵/۵-۲۰۲). به گزارش طبری یزدگرد، مهنرسی را از آغاز پادشاهی‌اش به‌عنوان وزیر خود انتخاب کرد (طبری، ۱۳۵۲: ۶۰۸/۲) و گویا انتصاب مهنرسی دشمن بزرگ مسیحیان به مقام وزیر بزرگ را بتوان دلیل تغییر رفتار شاه نسبت به مسیحیان دانست (کریستین سن، ۱۳۸۹: ۲۷۶).

از سوی دیگر نولدکه بر این باور است تعیین مهنرسی نمی‌تواند از کارهای اولیه‌ی یزدگرد باشد؛ زیرا وی چهل سال پس از به سلطنت رسیدن یزدگرد در مقام فرمانده سپاه برای جنگ با رومیان فرستاده شده بود (نولدکه، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

### مأموریت سیاسی مهرنرسی در دوره ی بهرام پنجم

پس از مرگ یزدگرد یکم، بهرام پنجم (۲۳۸-۴۲۰ م.) به سلطنت رسید (طبری، ۱۳۵۲: ۶۱۳/۲). نخستین گرفتاری بهرام در آغاز کار، طوایف هفتالی بودند که در مرزهای شرقی ایران اغتشاشاتی به وجود آورده بودند که بهرام بر هیاطله حمله برد و توانست پادشاه آن‌ها را بکشد و غنائم بسیاری به دست آورد (همانجا). بهرام پس از آنکه خطر شرق را دفع کرد، زمام امور را به وزیرش، مهرنرسی سپرد و خود برای آشنایی با هند روی به این سرزمین نهاد (همانجا).

پیش از این اشاره شد که در سال‌های پایانی سلطنت یزدگرد یکم به دلیل گستاخی‌های عیسویان نگرش و رفتارش دگرگون شد و قبل از وفاتش فرمان پیگرد آنان را صادر کرد و اجرای آن را به مهرشاپور موبدان موبد سپرد. پس از روی کار آمدن بهرام پیگرد و آزار ادامه یافت (برای نمونه: کریستین سن، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۸۲؛ ویتتر و بناته دیگناس، ۱۳۸۶: ۱۹۹؛ پیرنیا، ۱۳۸۸: ۲۴۷۷/۳؛ نفیسی، ۱۳۸۳: ۹۷؛ رجیبی، ۱۳۸۷: ۲۰۱/۵). این اقدامات که به ظاهر به تحریک موبدان انجام می‌شده است، به قدری زیاد بود که بسیاری از عیسویان به سرزمین روم گریختند و بهرام خواستار تسلیم گریختگان از امپراطور روم شد، اما امپراطور از انجام این کار سرباز زد (میلر، ۱۳۸۲: ۲۹۱-۲۹۰؛ زرین کوب و روزه زرین کوب، ۱۳۸۷: ۴۹/۴).

در مقابل ایران هم دستور بازداشت رومیانی که در معادن طلای ایران کار می‌کردند، صادر کرد. (همانجا). در نتیجه کار به جنگ کشید. در این جنگ سردار سپاه روم اردبوریس و فرمانده سپاه ایران مهرنرسی بود. اردبوریس از راه ارمنستان به نواحی ارزانن لشکر کشید و مهرنرسی سردار ایران را شکست داد و به غارت آن نواحی پرداخت. مهرنرسی به دلیل رسیدن نیروهای کمکی برای رومیان، مجبور شد به نصیبین عقب نشینی کند. اندکی پس از آن بهرام به کمک نیروهای خود شتافت و رومیان را مجبور به عقب‌نشینی کرد. این بار بهرام شهر تئودوسیوپلیس (ارزروم، ارزن الروم) را به محاصره‌ی خود درآورد که این محاصره دستاورد مهمی در پی نداشت (شهبازی، ۱۳۸۹: ۴۴۴).

سرانجام پس از چندین نبرد بی‌حاصل، تئودوسیوس بر آن شد تا گروهی برای گفتارهای صلح نزد بهرام پنجم روانه کند، پس آناتولیوس، فرماندهی نیروهای شرق خود را به‌عنوان سفیر نزد بهرام فرستاد. رفتار همراه با احترام سفیر چنان در بهرام اثر کرد که وی پذیرفت با او صلح کند (پروکوپیوس، ۱۳۹۳: ۱۹).

بنابر باور وینتر و بناته دیگناس، پروکوپیوس حوادث سال ۴۲۲ میلادی و مجادلاتی را که در دوره‌ی یزدگرد دوم (۴۵۷-۴۳۹م) که بین ایران و روم رخ داده است را به هم آمیخته است (وینتر و بناته دیگناس، ۱۳۸۶: ۱۸۰-۱۷۷).

به هر حال بین ایران و روم صلح صد ساله‌ای برقرار شد که بنابر آن عیسویان در دولت ساسانی و زردشتیان در دولت بیزانس از آزادی انجام مناسک مذهبی برخوردار شدند؛ گویا درباره‌ی پرداخت هزینه طرفین برای دفاع از ناحیه قفقاز توافق صورت گرفت و نیز بیزانس تعهد کرد که به اعراب مجاور مرز پناه ندهد و رومیان و ایرانیان در مرزهای یکدیگر دژ تازه نسازند (همان: ۱۲۱-۱۱۹).

### مهرنرسی و سیاست زردشتی کردن ارمنستان

یزدگرد دوم که پس از مرگ بهرام پنجم (۴۳۸-۴۵۷م) به سلطنت نشست، بلافاصله جنگ با بیزانس را آغاز کرد، اما تئودوسیوس دوم، امپراتور روم خواستار صلح بود؛ زیرا امپراطوری از طرف مغرب در معرض حملات هون‌ها بود. یزدگرد دوم بعد از صلح با رومی‌ها، به اغتشاشات شرق پایان داد که خونیان به وجود آورده بودند (فرای، ۱۳۸۳: ۵۱۲). هر چه مسیحیت در ارمنستان بیشتر ریشه می‌گرفت ناخشنودی و خشم ساسانیان با دولت روم بیشتر می‌شد. به همین جهت بیشتر جنگ‌هایی که میان ایران و روم درگرفته بر سر ارمنستان بوده است؛ زیرا هم ساسانیان در تلاش برای جلوگیری از پیشرفت دین مسیح در ارمنستان بودند و هم رومیان خودشان را حامی و پشتیبان تمام مسیحیان از جمله ارمنیان می‌دانستند (نفیسی، ۱۳۸۳: ۶۸).

ازاین رو پیشرفت آیین مسیحیت در ارمنستان موجب نگرانی دولت ایران شده بود و زمامداران ایران دریافته بودند که تا اختلاف مذهبی در میان است، تصاحب ارمنستان امری ناپایدار خواهد بود، پس یزدگرد سیاست خود را متوجه ارمنستان کرد و وزیرش مهرنرسی را مأمور کرد که به ارامنه نامه‌ای بنویسد که آن‌ها را به تغییر آیین فراخواند (کریستین سن، ۱۳۸۹: ۲۸۶).

مفاد آن نامه این گونه است: «ما اصول دیانت خود را که متکی بر حقیقت و مبتنی بر اساس و قواعد محکم است نوشته و برای شما فرستادیم. میل داریم شما که وجودتان برای ما مفید و تا این حد عزیز است، کیش مقدس و راستین ما را بپذیرید و دیگر در دیانتی باقی نمانید که همه می‌دانیم باطل است» (همانجا).

هنگامی که فرمان مهرنرسی به ارمنستان رسید، اسقف‌های مسیحی و روحانیون ارمنی جمع شدند تا درباره‌ی نامه مهرنرسی اظهارنظر کنند و پاسخی به آن فرمان بدهند و پاسخ را این گونه عرضه کردند.

«هنگامی که در حضور شاهنشاه بودیم، مغان را که قانون گزاران شما هستید، مورد تمسخر قرار می‌دادیم، اکنون اگر ما را مجبور کنید که نوشته‌های آنان را بخوانیم و سخنانی بشنویم که قابل و شایسته نظر ما نیست، ناچاریم همچنان ایشان را مورد تمسخر قرار دهیم و برای حفظ احترام به شما آن نامه را که موجب خنده می‌شد را باز نکرديم و نخواندیم؛ زیرا دینی که باطل است و نتیجه اوهام عده‌ای دیوانه است برای ما قابل پیروی نیست» (همان: ۲۸۷-۲۸۶).

یزدگرد از پاسخ نامه‌ی ارمنیان به خشم آمد و تعدادی از حاکمان خاندان‌های ارمنستان را به ایران فراخواند و به آن‌ها اعلام کرد که اگر فرمان تغییر مذهب را نپذیرند، به ارمنستان حمله خواهد برد و آن‌ها را از مسند قدرتشان در ارمنستان بر کنار خواهد کرد و آنان نیز چنین وانمود کردند که مصمم به قبول عقاید یزدگرد هستند. یزدگرد که در این زمان به جنگ با خیونیان سرگرم بود و نیت ارامنه را در نیافته بود، مناصب و املاک بزرگان ارمنستان واگذار کرد؛ اما

چند تن از شاهزادگان را به‌عنوان گروگان نگه داشت و بیش از هفتصد تن را به ریاست (رئیس مغان) برای دعوت آرامنه به آن‌جا روانه کرد (همان: ۲۸۸-۲۸۷).

در این بین بزرگان ارمنی شورش کرده و روحانیون عیسوی جهاد اعلام کردند، اما یکی از بزرگان ارمنی به نام واساگ سیونی، نسبت به ایرانیان وفادار ماند.

شورشیان ابتدا از امپراطوری روم کمک خواستند، اما دولت روم که خود سرگرم دفاع از سرحدات و دفع هونها بود نتوانست به شورشیان کمکی کند و یزدگرد را در جریان امور قرار داد (نوری زاده، ۱۳۷۶: ۴۵). به دنبال این وقایع یزدگرد لشکری با فرماندهی ویه‌دین شاپور به سوی ارمنستان روانه کرد و در نبردی که در دشت آوارایر در ۲ ژوئن ۴۵۱ میلادی در گرفت، ارمنیان به فرماندهی واردان مامیکونیان شکست خوردند که واردان و چندین هزار تن از یارانش در میدان نبرد کشته شدند (شهبازی، ۱۳۸۹: ۴۶۲؛ chaumon: p.42) و از آنان بسیاری به ایران تبعید شدند (دریایی، ۱۳۸۷: ۳۹). بنابر خواست یزدگرد دوم، ویه‌دین شاپور دستور اعدام روحانیون عیسوی زندانی را صادر کرد (کریستین‌سن، ۱۳۸۹: ۲۹۰-۲۸۹).

ویدن گرن بر این باور است که یزدگرد پس از اقدامات خشونت‌آمیز در پی راه‌حلی مسالمت‌آمیزی برای این بحران بوده است (ویدن گرن، ۱۳۷۷: ۳۸۹) و در پایان امر، شاه و مهرنرسی کامیاب نشدند که ارمنستان مسیحی را به دین مزدیسناپی در آورند.

### نتیجه‌گیری

مهرنرسی، وزیر بزرگ سه شاهنشاه ساسانی یزدگرد یکم (۴۲۱-۳۹۹ م.)، بهرام پنجم (۴۲۱-۴۳۹ م.) و یزدگرد دوم (۴۳۹-۴۵۷ م.) بوده است. برجستگی نام و نشان وی برخاسته از درایتش برای اداره‌ی امور در فراز و فرودهای سیاسی این دوران است. فراز و فرودهایی که با سیاست رواداری یزدگرد یکم نسبت به اقلیت‌های غیرزردشتی شروع و در میانه‌ی راه با

چرخش مواضع سیاسی در جهت سخت‌گیری به این اقلیت‌ها تا پادشاهی دو شاهنشاه بعدی ادامه یافت.

از درایت‌های این وزیر نیرومند می‌توان به نقش‌آفرینی وی در قرارداد صلح میان ایران و روم در دوره‌ی بهرام پنجم اشاره کرد. در دوره‌ی یزدگرد دوم کوششی نافرجام در پس راندن مسیحیت از ارمنستان نقش اساسی ایفا کرد. مهرنرسی در واپسین سال‌های عمرش به دلیل گناه نامشخص خادم آتشکده شد.

### منابع و مأخذ

- آسموسن، ی. پ (۱۳۹۲). «مسیحیان در ایران». *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*. پژوهش دانشگاه کمبریج. جلد ۳. گردآورنده احسان یار شاطر. ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- ابن بلخی (۱۳۷۴). *فارسنامه*. تصحیح گای لسترنج و رینولد آلن نیکلسن. توضیح و تحشیه از منصور رستگار فسایی. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- اصفهانی، حمزه بن حسن (۱۳۴۶). *تاریخ پیامبران و شاهان (سنی الملوک و الانبیاء)*. ترجمه‌ی جعفر شعار. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- کبرزاده، داریوش (۱۳۸۱). *کتیبه‌های پهلوی (سنگ نگاره، سکه، مهر، اثرمهر، ظرف نبشته)*. تهران: نقش هستی.
- \_\_\_\_\_ و محمود طاووسی (۱۳۸۴). *کتیبه‌های فارسی میانه (پهلوی ساسانی)*. تهران: نقش هستی.
- بلعمی، ابو علی محمد بن محمد (۱۳۹۲). *تاریخ بلعمی*. به تصحیح محمد تقی بهار. به کوشش محمد پروین گنابادی. تهران: زوار.
- بهرامان، فرخ مرد (۱۳۹۱). *مادیان هزار دادستان (هزار رأی حقوقی)*. پژوهش سعید عریان. تهران: علمی.
- پروکوپیوس (۱۳۹۳). *جنگ‌های ایران و روم*. ترجمه‌ی محمد سعیدی. تهران: ققنوس.
- پیرنیا، حسن (۱۳۸۸). *ایران باستان*. ج ۳. تهران: نامک.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. به کوشش ژاله آموزگار. تهران: سخن.
- ثعالی مرغنی، حسین بن محمد (۱۳۷۲). *شاهنامه‌ی کهن پارسی: تاریخ غررالسیر*. ترجمه محمد روحانی. مشهد: دانشگاه فردوسی.

- خوارزمی، محمدبن احمد (۱۳۸۹). *مفاتیح‌العلوم*. ترجمه‌ی حسین خدیو جم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دریایی، تورج (۱۳۸۷). *شاهنشاهی ساسانیان*. ترجمه‌ی مرتضی ثاقب فر. تهران: ققنوس.
- دوشن گیمن، ژاک (۱۳۷۵). *دین ایران باستان*. ترجمه‌ی رویا منجم. تهران: فکر روز.
- رجبی، پرویز (۱۳۸۷). *هزاره‌های گمشده*. ج ۵. تهران: انتشارات توس.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۸). *تاریخ مردم ایران (۱)؛ ایران قبل از اسلام*. تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ و روزبه زرین کوب (۱۳۸۷). *تاریخ ایران باستان (۴)، تاریخ سیاسی دوره‌ی ساسانیان*. تهران: سمت.
- زنده‌آر، سی (۱۳۸۸). *زروان یا معمای زردشتی گری*. ترجمه تیمور قادری. تهران: مهتاب.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). *طلوع و غروب زردشتی گری*. ترجمه تیمور قادری. تهران: مهتاب.
- سامی، علی (۱۳۸۹). *تمدن ساسانی (۲)*. تهران: مرکز تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی.
- شهبازی، علیرضا (۱۳۸۹). *تاریخ ساسانیان: ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- *شهرستاهای ایرانشهر با آوانویسی*. ترجمه‌ی فارسی ( ). با یادداشت‌هایی از تورج دریایی. ترجمه‌ی شهرام جلیلیان. تهران: توس.
- شپیمان، کلاوس (۱۳۸۴). *مبانی تاریخ ساسانیان*. ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری. تهران: فروزان روز.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۵۲). *تاریخ طبری یا تاریخ‌الرسل و الملوک*. جلد ۲. ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عریان، سعید (۱۳۸۲). *راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی - پارتی)*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۳). *تاریخ باستانی ایران*. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کریستین سن، آرتور امانوئل (۱۳۸۸). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه‌ی رشید یاسمی. تهران: نگاه.
- گردیزی، عبدالحی الضحاک ابن محمود (۱۳۴۷). *زین الاخبار*. تصحیح عبدالحی حبیبی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- مصطفوی، محمد تقی (۱۳۴۳). *اقلیم پارس*. تهران: انجمن آثار ملی ایران.
- مهرآبادی، میترا (۱۳۷۲). *خاندان‌های حکومت‌گر در ایران*. تهران: فتحی.
- میلر، ویلیام مک الوی (۱۳۸۲). *تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران*. ترجمه‌ی علی نخستین. تهران: اساطیر.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۳). *مسیحیت در ایران تا صدر اسلام*. تهران: اساطیر.
- نوری زاده، احمد (۱۳۷۶). *تاریخ و فرهنگ ارمنستان*. تهران: چشمه.
- نولدکه، تئودور (۱۳۸۷). *تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان*. ترجمه‌ی عباس زریاب خویی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نیستانی، جواد و دیگران (۱۳۸۹). «مکان یابی آتشکده‌های چهارگانه مهرنرسه: بررسی آتشکده. میر بیشابور. اردشیرخوره». *مجله مطالعات باستان‌شناسی*. شماره ۳: صص ۱۷۵-۱۶۰.
- نیوسنر، ج (۱۳۷۷). «یهودیان در ایران». *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*. پژوهش دانشگاه کمبریج. جلد ۳. گردآورنده احسان یارشاطر. ترجمه‌ی حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- ویدن گرن، گئو (۱۳۷۷). *دین‌های ایران*. ترجمه‌ی منوچهر فرهنگ. تهران: آگاهان ایده.
- ویسهوفر، یوزف (۱۳۸۲). *ایران باستان (از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد)*. ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس.
- وینتر، انگلبرت و بئاته دیگناس (۱۳۸۶). *روم و ایران دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی*. ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری. تهران: نشر و پژوهش فروزان روز.
- یارشاطر، احسان (۱۳۹۲). «دین و سیاست در روزگار ساسانیان». *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*. پژوهش دانشگاه کمبریج. گردآورنده احسان یارشاطر. ترجمه‌ی حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- Chaumont, M.L. "Armenia and Iran ii. the pre-Islamic period", *Encyclopaedia Iranica*, vol. II. face. 4. pp. 418-438, available on lion at <http://www.iranicaonline.org>